

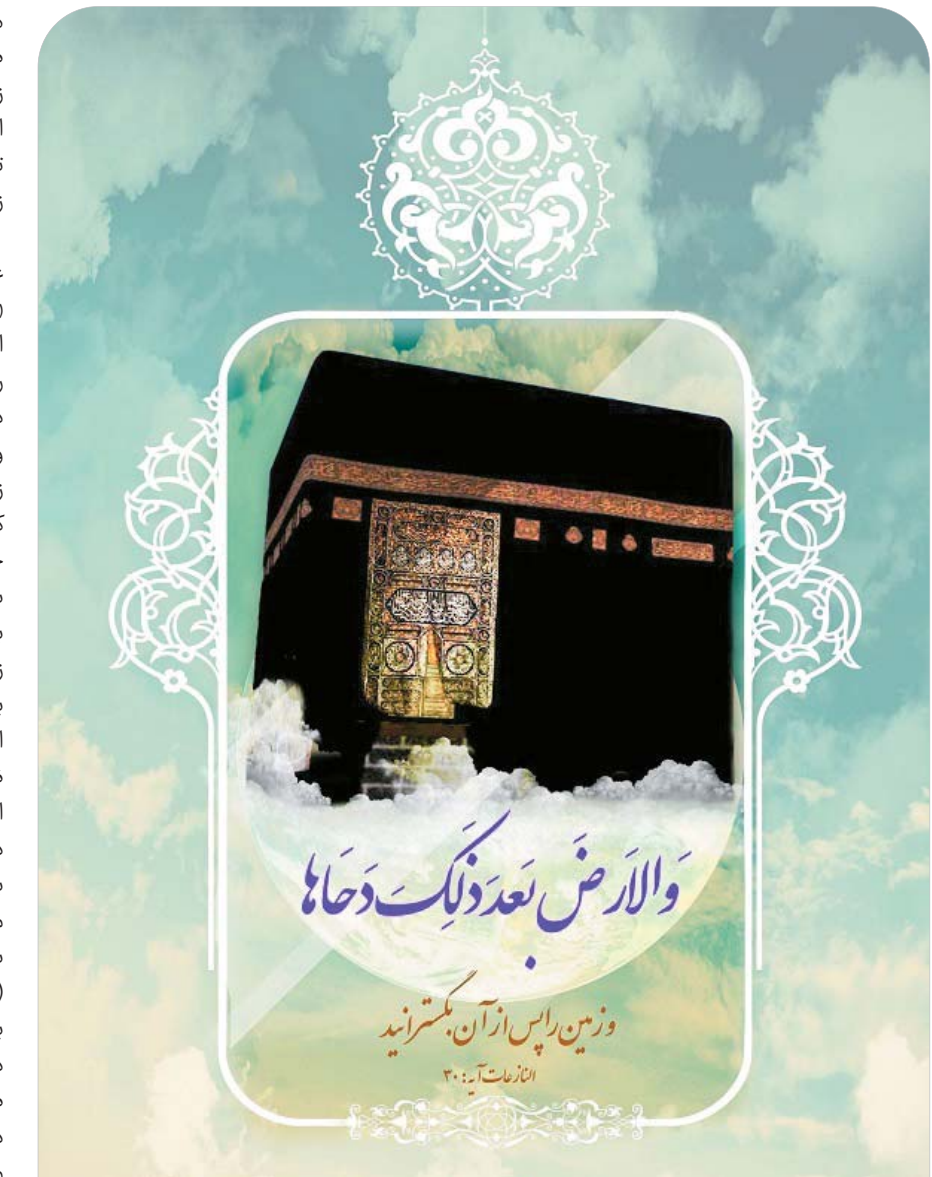
هیچ‌گونه منافاتی با این سخن ندارد؛ زیرا از آن روز صدها میلیون سال می‌گذرد و تاکنون وضع نقاط روی زمین به‌کلی دگرگون شده، بعضی از کوه‌ها در اعماق اقیانوس‌ها قرار گرفته و بعضی از اعماق اقیانوس‌ها تبدیل به قله کوه شده است و این، از مسلمات علم زمین‌شناسی و جغرافیای طبیعی است.<sup>۳</sup>

محمدحسن اسدیان فلاحیه، از اعضای هیئت علمی دانشگاه شیراز و اهواز، با تحقیقات خود درباره «دحوالارض»، آن را واقعیت علمی شمرده و برآن است که این‌طور نیست که دحوالارض، صرفاً یک روایت مذهبی باشد و یا مثلاً چیزی باشد که صرفاً در قرآن آمده است. وی دحو را به‌معنای غلطیدن و پیچش معنا کرده و می‌گوید: «مبنای دینامیک زمین، دحوالارض است و کاملاً به‌یقین رسیده‌ام که اولین نقطه‌ای که دچار «تکتوتیک» شده و جایی که پیچش شروع شده، مکه بوده است و به این‌که شروع گسترش زمین از مکه بوده است، با استفاده از مورفولوژی (ریخت‌شناسی) و چهره زمین رسیده‌ام.» این استاد دانشگاه شواهدی بر گسترش زمین از مکه ارائه کرده است؛ از جمله اینکه شکل و ریخت زمین، یک شش‌وجهی (شش ضلعی) است که مکه تقریباً در وسط آن قرار دارد. اقیانوس آرام به‌عنوان بزرگترین پهنه آبی نیز، دلیل دیگر بر این مطلب است. محیط اقیانوس آرام که به‌اندازه محیط کره زمین است، درست در مقابل مکه است و این‌وی خود ایجاد نشده است. این نظم به‌خصوص مجموعه قاره‌ها با یک شکل پلیگونی (چندضلعی) در یک سمت و اقیانوس آرام به‌عنوان بزرگترین پهنه آبی در سمت دیگر، نشان می‌دهد که دحو، از یک منطقه صورت گرفته و از منطقه عکس، طحور خ داده است. این است که اولین نقطه‌ای که دچار دحو شده، کاملاً مشخص است و آن، همان مکه و کعبه است.<sup>۱۳</sup>

منبع: مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

- پی‌نوشت‌ها**

- <sup>امام باقر(ع) آیه به موج آمد و همه کف‌ها یکجا جمع شد، بعد آن را در محل خانه کعبه قرارداد و به‌صورت کوهی از کف درآورد. سپس زمین را از دامنه آن کوه بگسترانید. مقصود از کلام خدا ﴿إِنَّ أَوَّلَ نَبِیِّ وَضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِکَکَ مَبَآرَکَا﴾ همان است که گفته شد: ابن‌بابویه، محمدبن علی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، محقق / مصحح: غفاری، علی‌اکبر، قم: دفتر انتشارات، چاپ دوم، ۱۴۱۳، ج۲، ص۲۴۱؛</sup>
- <sup>همان، ج۲، ص۴۱؛</sup>
- <sup>همان، ج۲، ص۲۴۲؛</sup>
- <sup>المیزان فی تفسیرالقرآن، علامه طباطبایی(ره)، قم: جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق، ج۳، ص۳۵۶؛</sup>
- <sup>مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ش، ج۵، ص۳۴۶؛</sup>
- <sup>مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱ ش، ج۱۱، ص۵۴؛</sup>
- <sup>سوره شوری، آیه ۷؛</sup>
- <sup>سوره انعام، آیه ۹۲؛</sup>
- <sup>سوره ق، آیه ۷؛</sup>
- <sup>سوره رعد، آیه ۲؛</sup>
- <sup>سوره شمس، آیه ۶؛</sup>
- <sup>حسین‌زاده آملی، هزار و یک کلمه، ج۱، ص۴۶ و ۴۶۱؛</sup>
- <sup>شعرانی، ابوالحسن، پژوهش‌های قرآنی علامه شعرانی(ره) در تفسیر مجمع‌البیان، روح‌الجنان و منهج‌الصادقین، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش، ج۳، ص۱۳۱۶؛</sup>
- <sup>مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۲، ص۲۲۷؛</sup>
- <sup>مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۵، ص۳۴۶؛</sup>
- <sup>«رابطه ژئودینامیک و دحوالارض / دو کلمه قرآنی دحو و طحو؛ مؤلفه‌های دینامیک زمین»، سایت خبرگزاری قرآن‌www.iqna.ir</sup>



# آیا دحوالارض از نظر علمی قابل اثبات است؟

نخستین خشکی که آفریده شد، زمین زیر کعبه بود که خشکی‌های دیگر از آن گسترده شد، به این روز «دحوالارض» می‌گویند. آیا این مطلب به‌لحاظ منابع دینی معتبر و تحقیقات علمی، قابل پذیرش است؟

مقدمه

بیست و پنجم ذیقعد، هم‌زمان با روز «دحوالارض» است. بر اساس روایات اسلامی، زمین کعبه، اولین زمینی بود که از زیرآب، ظاهر گشته و گسترش یافته است. روزه، دعا و ذکر از جمله اعمالی است که برای این روز توصیه شده است. در ادامه نکاتی درباره اعتبار دینی و علمی این مسئله مطرح خواهد شد.

کردن آب، آن مکان پیش از سایر نقاط ظاهر شده و از آب بیرون آمد و سپس مناطق دیگر ظاهر شدند. آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی، مرجع تقلید و مفسر قرآن، نیز با تأیید نظر علامه شعرانی و سازگار دانستن آفرینش و گستراندن زمین با اکتشافات علمی<sup>۱</sup> در تفسیر نمونه آورده‌اند: در آغاز بر اثر باران‌های سیلابی، تمام کره زمین از آب پوشیده بود، آب‌ها تدریجاً فرو نشستند و در نقاط پست زمین قرار گرفتند و خشکی‌ها تدریجاً از زیر آب، سر برآوردند. طبق روایات اسلامی نخستین نقطه‌ای که از زیر آب سر برآورد، سرزمین مکه بود. اگر ارتفاع این سرزمین در حال حاضر بلندترین ارتفاع زمین‌های دنیا نیست،

وی در توضیح اینکه نخستین جایی که از آب بیرون آمد، کعبه بود، گفته است: چون کره زمین از دو طرف قطب، کمی فرورفتگی دارد و قسمت‌های استوایی مانند مکه مکرمه، کمی برجستگی دارند. به این ترتیب در زمان دحوالارض که آب کم‌کم فرونشست، طبیعتاً جای برآمده زمین که برجستگی آن بیشتر از جاهای دیگر است، در ابتدا از آب بیرون آمد. این مکان برجسته، همان مکان کعبه بود. وقتی آب‌های روی زمین به‌مرور فروکش کردند و کم شدند، قسمت‌های پدیدآمده زمین به‌تدریج گسترش پیدا کرد که از آن تعبیر به دحوالارض شده است.<sup>۲</sup> بنابراین چون کعبه برآمده‌ترین و بالاترین نقطه زمین بود، هنگام فروکش

بنا بر برخی روایات که از معصومان علیهم‌السلام نقل شده، زمین در ابتدا زیرآب بوده و سپس خشکی‌ها از آب بیرون آمده است.<sup>۱</sup> روز بیرون آمدن خشکی‌ها را روز «دحوالارض» نامیده‌اند. روایات اسلامی بیان‌گر این هستند که نخستین جایی که از زمین سر برآورد، مکه یا کعبه بوده است.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «همانا که خداوند زمین را از زیر کعبه تا منا گسترش داد و سپس آن را از منا تا عرفات گسترش داد و پس از آن از عرفات تا منا گسترده ساخت».<sup>۲</sup>

همچنین امام رضا علیه‌السلام فرمودند: «در شب بیست و پنجم از ذیقعدۀ زمین از زیر کعبه گسترش یافت».<sup>۳</sup> روایات متعددی در این زمینه وجود دارد. علامه طباطبایی پس از نقل این روایت می‌گوید: اولین بقعه‌ای که از زمین آفریده شد، کعبه بود. پس از آن سایر نقاط زمین از آن گسترش یافت. سپس می‌افزاید: اخبار درباره «دحوالارض» و گسترش یافتن زمین از زیر خانه کعبه، بسیار زیاد است و این روایات، نه مخالف قرآن است و نه برهان عقلی آن را ردّ می‌کند.<sup>۴</sup> یکی از نام‌های مکه، «ام‌القری» است. کلمه «ام» به‌معنی اصل و اساس و ابتدا و آغاز هر چیزی است. اگر به مکه «ام‌القری» می‌گویند، به‌خاطر این است که اصل و آغاز پیدایش تمام خشکی‌های روی زمین است.<sup>۵</sup>

برخی از مفسران ذیل آیه ۱۹ سوره حجر ﴿وَالْأَرْضُ مَدَدْنَاهَا﴾ می‌گویند: «مد» در اصل به‌معنی گسترده ساختن و بسط دادن است و به‌احتمال قوی در اینجا اشاره به سر برآوردن خشکی‌های زمین از زیرآب است؛ زیرا در آغاز تمام سطح کره زمین بر اثر باران‌های سیلابی زیرآب پنهان بود و سالیان درازی بر این منوال گذشت، باران‌های سیلابی فرونشستند، آب‌ها در گودال‌های زمین جای گرفتند و خشکی‌ها تدریجاً از زیرآب نمایان گشتند؛ این همان چیزی است که در روایات اسلامی به عنوان «دحوالارض» معروف شده است.<sup>۶</sup>

بنابراین مسئله دحوالارض یکی از مسائلی است که در روایات مورد اشاره قرار گرفته است و در موارد متعدد ائمه علیهم‌السلام به آن اشاره کرده‌اند.

- آیات قرآن در مورد دحوالارض**

علاوه بر روایات، ذرات قرآن نیز به این مسئله اشاره شده است و مفسران ذیل آیاتی مانند: ﴿وَ کَذَٰلِکَ أَوْحَیْنَا إِلَٰیک قُرْآنًا عَرَبِیًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَن حَوْلَهَا﴾<sup>۷</sup> ﴿وَ هَٰذَا کِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَکٌ مُّصَدِّقُ الَّذِی بَیْنَ یدِیهِ وَ لِنُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَن حَوْلَهَا﴾<sup>۸</sup> ﴿وَ الْأَرْضُ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَیْنَا فِیهَا رَوَاسِیَ﴾<sup>۹</sup> ﴿وَ هُوَ الَّذِی مَدَّ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ فِیهَا رَوَاسِیَ وَ أَنْهَارَ﴾<sup>۱۰</sup> ﴿وَ الْأَرْضُ وَ مَا طَحَاهَا﴾<sup>۱۱</sup> ﴿وَ الْأَرْضُ بَعْدَ ذَٰلِکَ دَحَاءُ﴾<sup>۱۲</sup> سخنانی بیان کرده‌اند.

- دحوالارض و یافته‌های علمی**

علامه شعرانی (۱۲۵۸-۱۲۸۱ش)، از فلاسفه و علمای برجسته شیعه، درباره سازگاری دحوالارض با علوم تجربی، برآن است که دانشمندان علوم تجربی معتقدند، در آغاز آفرینش زمین، آب همه سطح زمین را فرا گرفته بود و به‌تدریج خشکی‌هایی‌که امروزه آسیا، اروپا، آفریقا و آمریکا (قاره‌های جهان) نامیده می‌شوند، از آب بیرون آمدند؛ چنانکه امروزه هم، گاهی بر اثر زلزله یا آتشفشانی و علل دیگر، سطح کف دریا بالا می‌آید و جزیره‌ای نو پدید می‌آید. براساس روایات، نخستین زمینی که از آب بیرون آمد، کعبه بود و مناطق دیگر به‌تدریج به آب ملحق شده و از آب بیرون آمدند.<sup>۱۳</sup>

مبحث خلوص، از نظر اخلاق، مبحثی فوق‌العاده مهم و یک بحث زیربنایی است. با نگاهی به آیات قرآن کریم و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام در این‌باره، درمی‌یابیم که اخلاص در عمل، زیربناست و اگر نباشد، اعمال انسان فایده ندارد؛ حتی اگر اعمال کسی به‌اندازه کوه باشد، در واقع کاه است. اگر مثل دریا باشد، بدون خلوص، درحقیقت قطره است، گردوی پوچ است و ارزش ندارد... وقتی رنگ خلوص به اعمال بخورد، قطره را دریا می‌کند و به ذره، ارزش کوه می‌بخشد. بنابراین انسان باید در زندگی از نظر گفتار و کردار و حتی از نظر افکار، مخلص باشد تا به سعادت و رستگاری دست یابد.

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روایتی می‌فرماید: «الْعَلَمَاءُ کُلُّهُمْ هَلْکِی إِلَّا الْعَامِلُونَ وَالْعَامِلُونَ کُلُّهُمْ هَلْکِی إِلَّا الْمُخْلِصُونَ وَ الْمُخْلِصُونَ عَلَیْ خَطَرٍ»<sup>۱</sup>.

همه در معرض هلاکت و نابودی هستند؛ مگر آنان که عالم به دین بوده، نسبت به احکام، اعتقادات و اخلاق دین آشنایی داشته باشند. همه آنان هم هلاک خواهند شد، به‌جز دسته‌ای از آنها که بر طبق علمشان عمل کنند. از بین علمای عامل نیز، به غیر از افراد مخلص، همه نابودند؛ می‌گردند. افراد با اخلاص نیز در مخاطره عجیبی هستند؛ یعنی به دست آوردن خلوص مشکل است؛ اما لازم است. هرکسی به‌اندازه خلوصش، به خداوند تعالی تقرب پیدا می‌کند و انسان مخلص که به خدای خویش نزدیک شده، از شر شیطان در امان است؛ زیرا شیطان حق ندارد به طرفش بیاید.

قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ لَیْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَی الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَی رُءُوسِهِمْ یُتَوَكَّلُونَ؛ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَی الَّذِينَ یَتَوَلَّوْنَهُ﴾؛ شیطان با کسی کار دارد که زیر پرچمش باشد و اما اگر مخلص باشد و زیر پرچم خدا باشد، حتماً و یقیناً و بدون شبهه، شیطان برای او کاربرد ندارد.

در روایتی از پیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که تواتر لفظی دارد و در کتب معتبر اهل‌سنت و شیعیان نقل شده، می‌خوانیم: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ إِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَّا نَوَى»؛ یعنی اعمال انسان متوقف بر خلوص و قصد قربت اوست. در ادامه روایت نیز می‌فرمایند: هرکس برای خدا کار کند، معلوم است که پاداشش خداست و هرکه برای غیرخدا کار کند، پاداشش همان غیرخداست.

لذا بحث اخلاص فوق‌العاده مهم است و یکی از بحث‌های زیربنایی در اخلاق است.

خلوص به اقسامی منقسم می‌شود. برخی از آن اقسام عبارتند از:

• **قسم اول:** خلوص در عبادت: بر اساس قسم اول خلوص، عبادتی که انسان انجام می‌دهد، مانند نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد و امثال اینها، باید خالصانه و فقط برای خدا باشد.

خداوند متعال عبادت و دین‌داری خالصانه را از بندگان می‌خواهد. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَ مَا أَمْزُوا إِلَّا لَیُعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ»<sup>۲</sup>.

خداوند تعالی امر و دستوری به بندگان ندارد، مگر عبادت و آن هم عبادتی که رنگ خدا داشته باشد.

• **قسم دوم:** خلوص خانوادگی: خلوص در خانه به این معناست که خانم برای خدا شوهرداری، بچه‌داری و خانه‌داری کند؛ مرد هم در اداره خانه کوشا باشد و رفاه همسر و فرزندان خود را تأمین کند. به این خانواده، خانواده خالص می‌گویند که در پی، خلوص نشاط و شادابی هم خواهند داشت. چنین زن و مردی، هر دو ثواب جهاد در راه خدا را دارند. راجع به زن، در روایات می‌خوانیم: «جَهَّادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ اللَّتِّعْلِ»<sup>۳</sup> و در خصوص مرد، فرموده‌اند: «الْكَادُّ عَلَی عِیَالِهِ کَالْمُجَاهِدِ فِی سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>۴</sup>.

اما اگر خلوص در روابط خانوادگی حاکم نباشد، زحمات زن و شوهر، ذره‌ای ارزش ندارد، کارهای آنها برکت ندارد و در آن خانه اختلاف زیاد می‌شود.

وقتی زن و شوهر خلوص داشته باشند، برای رضای خدا از خطا و اشتباه همدیگر می‌گذرند و هرکدام بدرفتاری دیگری را ندیده می‌گیرند. اعضای این خانواده، در اثر رفتار خالصانه، آن زن و شوهر رفاه و آسایش دارند.

قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید: ﴿وَ إِنْ تَعَفَّوْا وَ تَضَعُوا وَ تَعَفَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ﴾؛ باید از بدی یکدیگر گذشت کنید و ایثار و فداکاری در خانه حکم‌فرما باشد؛ علاوه بر آن، بدی یکدیگر را به دل نگیرید. اگر خانم یک نیشی زد، آقا به دل نگیرد و اگر آقا یک بداخلاقی کرد، خانم به دل نگیرد. به دل گرفتن رفتارهای نادرست، کینه‌توزی است و آدم کینه‌توز وضعیتش در روز قیامت خیلی خراب است و مورد عقو خداوند واقع نخواهد شد.

• **قسم سوم:** خلوص اجتماعی: معنای خلوص اجتماعی آن است که انسان برای خدا، به خلق خدا خدمت کند. خدا رحمت کند سعدی را که این شعر را از آیات قرآن کریم و از روایات گرفته است:

بنی‌آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی
نشاید که نامت نهند آدمی
در روایات فراوانی، درباره آنکه(آن کس که) به فکر دیگران نباشد، فرموده‌اند: نشاید که نامت نهند مسلمان.

خلوص اجتماعی؛ یعنی اینکه همه در جامعه یار و یاور یکدیگر باشند. پیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علاوه بر تأکید بر تقویت

باید محکم و مستحکم و بدون سرهم‌بندی باشد.

اگر کالای خریداری‌شده، زود خراب شود، اگر در امور ساختمانی سرهم‌بندی شود و در اثر کار معیوب حاصل لوله‌کشی، برق ساختمان و نظایر آن خسارت حاصل شود، معلوم می‌شود، افراد سازنده در کار خود خلوص ندارند. بعضی اوقات یک سرهم‌بندی موجب می‌شود که یک ساختمان به‌طور کلی تخریب شود و خسارت‌های جانی و مالی غیرقابل جبران بر جای بگذارد.

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم لحد جوانی را که از دنیا رفته بود، بستند؛ اما خیلی محکم بستند. از ایشان سؤال شد: با وجود اینکه خاک روی لحد می‌ریزیم و لحد پایین می‌رود، این محکم‌کاری برای چیست؟! در پاسخ فرمودند: «... وَلَکِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَجِئُ عِنْدَ إِذَا عَمِلَ عَمَلًا فَأَخْجَمُهُ»<sup>۱</sup>؛ خدا دوست دارد، بنده‌ای را که وقتی کاری را انجام می‌دهد، محکم‌کار باشد.

- پی‌نوشت‌ها**

- <sup>مجموعه وار، ج۲، ص۱۱۸؛</sup>
- <sup>نحل، ۹۹ و ۱۰۰؛</sup>
- <sup>دعائم‌الإسلام، ج۱، ص۱۵۶؛</sup>
- <sup>یقته، ۵؛</sup>
- <sup>الکافی، ج۵، ص۹؛</sup>
- <sup>الکافی، ج۵، ص۸۸؛</sup>
- <sup>نقاین، ۱۴؛</sup>
- <sup>الکافی، ج۱، ص۴۳؛</sup>
- <sup>وسائل‌الشیعه، ج۱۷، ص۲۸۳؛</sup>
- <sup>علل‌الشرائع، ج۱، ص۳۱۰؛</sup>